

الگوی سبک زندگی توحیدی با چشم‌انداز خلیفه الهی شدن انسان‌ها (در سوره مبارکه بقره)

● ندا جعفری فشارکی

کارشناس ارشد الهیات (قرآن و حدیث). مدرس دانشگاه قرآن و حدیث /

nedajf@gmail.com

به‌رغم وجود نظریه مشهور پراکنده بودن و عدم تناسب آیات سوره مبارکه بقره، قرائت مستمر و متدبرانه این سوره به‌عنوان بزرگ‌ترین سوره قرآن کریم و دیگر سوره‌های قرآن کریم تردیدی برای مخاطبین قرآن باقی نمی‌گذارد که نه تنها همه آیات سوره از ارتباط لفظی و محتوایی عمیقی برخوردارند، بلکه پیرامون یک موضوع محوری به‌گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند که با توجه به فضای نزول سوره بتوانند مسائل موجود جامعه در زمان و فضای نزول سوره را از ابعاد مختلف بررسی و حتی راهکارهایی ماندگار نیز ارائه دهند.

موضوع محوری سوره مبارکه بقره «بیان الگوی سبک زندگی توحیدی با چشم‌انداز خلیفه الهی شدن انسان‌ها در زمین» است که ضمن بررسی اتصالات لفظی و نیز آیات هم‌جوار، دسته‌آیات آن مشخص و به کمک گزینه‌های متعدد، همچون مشخصات ظاهری سوره مانند نام‌های سوره، ترتیب نزول سوره، جایگاه سوره در چینش کنونی قرآن، روایات فضیلت تلاوت و نیز فضای نزول سوره، قراین منتج به این موضوع از بیش از پانزده تفسیر شیعه و سنی که با نگاه سیاقی نگارش یافته بودند استخراج شده است.

کلیدواژه

موضوع محوری: غرض سوره، سوره بقره، سیدالسرور، سبک زندگی، خلیفه الهی.

مقدمه

هرکس در طول زندگی خود هنگام مواجه شدن با قرآن کریم سوالاتی را از ذهن خود می‌گذراند، شاید افراد هیچ‌گاه گمان نکنند، پی‌جویی پاسخ این سؤالات چه اهمیتی در بردارد، اما یافتن پاسخ این سؤالات می‌تواند پرده‌ای از حجاب‌هایی که مانع فهم بهتر قرآن شده را کنار بزند.

الگوی سبک زندگی توحیدی با
چشم‌انداز خلیفه الهی شدن انسان‌ها
(در سوره مبارکه بقره)

■ معرفی اثر

جعفری فشارکی، ندا. الگوی سبک زندگی توحیدی
با چشم‌انداز خلیفه الهی شدن انسان‌ها (در سوره
مبارکه بقره)
(رساله مقطع کارشناسی ارشد)

ندا جعفری فشارکی
رساله مقطع کارشناسی ارشد

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و زندگی

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۳۳۰

آیا تا به حال از خود سؤال کرده‌اید چه عاملی سبب شده چندین آیه در کنار هم قرار گرفته و عنوان سوره را به خود اختصاص دهند؟ و یا این‌که چرا برخی سوره‌ها کوتاه و برخی بسیار طولانی هستند؟ و یا حتی چرا چینش کنونی قرآن کریم مانند سیر نزول آن نیست؟ آیا قرآن نیز مانند سایر کتاب‌ها از یک سیرنگارش برخوردار است یا این‌که فقط مجموعه‌ای متشکل از ۱۱۴ جزء است؟

در راستای پاسخ به سؤالات فوق و سوالاتی از این جنس، نکته ظریفی خودنمایی می‌کند. وقتی قرآن را مانند هر کتاب دیگری باز کرده و از آغاز آن شروع به مطالعه می‌کنیم هر سوره با نورانیتی خاص ما را به سوی خود می‌کشاند و همراه با هر سوره یک گام فرا می‌نهیم.

سوره مبارکه فاتحه‌الکتاب مانند مقدمه‌ای جامع، اصول سه‌گانه مبدأ توحیدی و مقصد و معاد الهی و مسیر و حیانی را معرفی و تبیین می‌کند تا همه مخاطبان بدانند دستورالعمل‌های این کتاب در مختصات این محورها بیان شده و تنها در این مختصات قابل باور، تبیین و راهبردی هستند.

در ادامه سوره مبارکه بقره به درخواست فطری هدایت به راه سعادت بشریت که در سوره حمد مطرح شده پاسخ مثبت داده و این کتاب را راه حل بی‌قید و شرط و خلل‌ناپذیر آن معرفی کرده است. از آنجا که هر نویسنده متبحری باید تمام هنر خود را در اولین فصل خود به‌کارگیرد تا مخاطب را تا فصل‌نهایی با خود همراه کند، قرآن نیز با روشی بی‌بدیل با کلمات و آیات این سوره نورانی به نگارگری پرداخته است.

اگر هیچ دلیل دیگری هم در دسترس ما نبود، همین توجیه برای مأنوس شدن با این سوره نورانی برای ما کافی بود تا با زانو زدن در محضر این سوره چشم‌انداز خالق آن را بچشیم و چشم‌انداز ایشان برای سعادت بشریت را مرور کنیم.

لذا در این نوشتار برآنیم تا با مدد از ابزارهای متعدد، محور سخن در سوره مبارکه

بقره را کشف و آیات نورانی آن را حول آن محور تبیین کنیم.

معرفی سوره مبارکه بقره

هر سوره از هویت ظاهری مخصوص به خود برخوردار است که حاکی از وجود ارتباط این هویت ظاهری و محتوای سوره است. علاوه بر آن توجهات و تذکرات اهل بیت علیهم السلام و نیز توجه مردم عصر نزول به سوره می‌تواند نمایانگر جایگاه سوره و غرض اصلی آن باشد.

این سوره نورانی در کلام معصومین با اسامی مختلفی یاد شده است که هر کدام به وجهی از وجوه این سوره اشاره دارند. پیامبر اکرم (ص) این سوره را خیمه قرآن^۱، قله بلند قرآن^۲ و سیدالقرآن^۳ نامیده‌اند، همچنین سوره مبارکه بقره و آل عمران را زهروان^۴ نامگذاری کرده‌اند. همه این نام‌ها حاکی از جایگاه رفیع این سوره است. تا آنجا که در سیره پیامبر اکرم (ص) مشاهده می‌کنیم ملاک ایشان برای انتخاب اسامه جوان به فرماندهی سپاه اسلام از میان سرداران مسن و باتجربه، مأنوس بودن این جوان با این سوره است.^۵

روایات متعددی از معصومین در فضیلت تلاوت این سوره بیان شده است، اما به روایت پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «تهی‌ترین خانه‌ها از خیر، خانه‌ای است که در آن سوره بقره تلاوت نشود.»^۶ برای بیان جایگاه این سوره گرانقدر اکتفا می‌کنیم.

سوره مبارکه بقره هشتاد و هفتمین سوره نازل شده و اولین سوره مدنی است، آخرین سوره مکی که قبل از این سوره نازل شده، سوره مطففین است که به فضای بیمار فرهنگی و اقتصادی مکه و فشارهای وارد بر مسلمانان اشاره می‌کند. پس از این سوره مبارکه، سوره مبارکه انفال نازل شده که به رخداد های جنگ بدر اشاره می‌کند و نیز سوره مبارکه آل عمران که به مواضع اهل کتاب و مشرکین در برابر مسلمانان و چگونگی تعامل با ایشان می‌پردازد.^۷

سوره مبارکه بقره در چینش کنونی قرآن، دومین سوره قرآن است. سوره مبارکه حمد قبل از آن و سوره مبارکه آل عمران پس از آن قرار گرفته است. سوره مبارکه بقره و آل عمران به‌عنوان زهروان قرآن در مجموعه سور سبع طوال قرار گرفته‌اند که در حدیث پیامبر اکرم (ص) به‌عوض تورات به ایشان داده شده و شاید این تشبیه نمایانگر پردازش احکام و شریعت اسلامی در این سوره باشد، چراکه تورات کتابی است که شریعت موسوی را برای پیروان خود یعنی یهودیان و مسیحیان تبیین می‌کند. از آنچه در تبیین ظاهر سوره مبارکه بقره اشاره کردیم به خوبی عظمت و جایگاه این سوره فهمیده می‌شود و لذا به‌نظر می‌رسد، مطالعه این سوره نه تنها به دلیل نورانیت آن توصیه شده، بلکه برای آشنایی با سبک زندگی اسلامی ضروری است.

تبیین فضای نزول سوره مبارکه بقره

از آنجاکه بین فضای نزول سوره و محتوای سوره تعاملی دو جانبه برقرار است و این

موضوع در سور مدنی درخشش بیشتری می‌یابند؛ پیش از هر چیز به تبیین فضای نزول سوره خواهیم پرداخت تا بتوانیم مسئله اساسی جامعه در زمان نزول را تبیین کرده و سپس پاسخ و راهکار سوره را از خلال سیاق آیات آن کشف کنیم.

پیامبر اکرم (ص) به دعوت مردم مدینه برای پایان دادن به جنگ‌های خونین صد و بیست‌ساله قبایل اوس و خزرج به همراه پیروان راستین خود به‌رغم تهدید و تعقیب قریش به مدینه مهاجرت کردند. اولین و مهم‌ترین دغدغه هر رهبر دینی پس از هجرت از جامعه آلوده به ظلم و جور و دستیابی به فرصت آزادی، پایه‌گذاری جامعه‌ای براساس ارزش‌های مکتبی است، تا در پرتو این نظام ارزشی، مردم قسط و عدل را در جامعه به‌پا دارند و از کیان جامعه خود در مقابل متجاوزین دفاع کنند. البته وضع و رعایت اصول و ارزش‌های نو برای همگان خوشایند نخواهد بود، از این روی تلاش‌های این مردان الهی با مشکلات و موانعی روبه‌رو بوده است. هر چند اکثر مردم اوس و خزرج با ارشاد مصعب بن عمیر طی یک سال قبل از هجرت، مشرف به دین اسلام شده بودند، اما سایر ساکنان یثرب که سه قبیله یهودی بودند، به‌رغم ادعای ایمان به پیامبر آخرالزمان (ص) به بهانه‌های مختلف از همراهی پیامبر آخرالزمان شانه خالی کردند. حال آن‌که دین مشترک همه انبیای الهی: اسلام است: «إِنَّ الْدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و غیر از اسلام هیچ دینی مقبول خدا و مرضی او نیست: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ». از این جهت اصول ارزشی جامع و فراگیر همه مکتب‌های الهی در آیه ۶۲ چنین بیان شده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ یعنی، تنها راه نجات برای هر ملتی همان اسلام راستین است و اسلام واقعی مجموع اعتقاد به مبدأ و معاد و وحی و نبوت و آراسته شدن به عمل صالح است. لازم به ذکر است عملی در فرهنگ قرآن صالح است که مطابق با حجت آن عصر، یعنی دین آن زمان و وحی و رسالت آن دوران باشد، نه حجت قبل از آن که شریعت و منهای آن منسوخ شده است.

در چنین فضایی که پیامبر (ص) به همراه مهاجران رنج کشیده به مدینه هجرت کرده و به تازه مسلمانان مدینه که به یاری ایشان برخاسته‌اند و لقب انصار را به خود اختصاص داده‌اند پیوسته و با مدعیان دروغین ایمان که از نظر مسلمانان رنج کشیده و ندار مهاجر و تازه مسلمانان مدینه صاحب کمالات مادی و معنوی هستند، مواجه شده‌اند، به مدد سوره مبارکه بقره ضمن بیان چشم‌انداز قرآن کریم برای تربیت خلیفه الهی در زمین کافران و مدعیان دروغین ایمان را که یهودیان سمبل بارز آن هستند معرفی و نقد کرده است تا موجب عبرت مسلمانان باشد و سپس به ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی پرداخته است.

از آنجاکه همه همت دشمنان مسلمین این بود که آنان را از اصول ارزشی خویش منحرف و از تمدن دینی خود منصرف سازند؛ چنان‌که در آیه ۲۱۷ چنین آمده است:

«... ولا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم إن استطاعوا...». یکی از محورهای اصلی این سوره آگاه‌سازی مسلمانان از چنین خطر فکری و اعتقادی و تشویق به نبرد با آن و فرونشاندن فتنه است.

و پس از آن به تبیین فرهنگ اصیل اسلامی و بسترسازی فرهنگی برای تحقق این فرهنگ غنی که ریشه در آیین حنیف ابراهیم (ع) دارد و بر آن است تا بشر را به مقام خلیفه الهی برساند، می‌پردازد.

موضوع محوری سوره مبارکه بقره

باتوجه به آنچه در معرفی ظاهر سوره مبارکه بقره و نیز تبیین فضای نزول سوره بیان شد و نیز با مطالعه آیات نورانی سوره مبارکه بقره، عنوان «بیان الگوی سبک زندگی توحیدی با چشم‌انداز خلیفه الهی شدن انسان» به‌عنوان موضوع محوری این سوره استخراج شده است، در ادامه به برخی دلایل این انتخاب اشاره خواهیم کرد.

- فضای نزول سوره حاکی از وجود تنوع فکری و فرهنگی در جامعه زمان نزول سوره است، حال آن‌که یهودیان به‌عنوان کسانی که در نظر مردم دارای فرهنگ و کتاب دینی هستند و از جهت قدرت اقتصادی نیز موقعیت چشمگیری دارند در جهت دهی افکار مردم تأثیر به‌سزایی دارند، لذا این نظام و فرهنگ جدید باید به‌نحو ایجابی و نه سلبی این فرهنگ را نقد کرده تا محاسن و معایب آن بر مخاطبین آشکار شود و بتوانند بدون القائات فکری یهودیان این آئین را بپذیرند.

- نظام فرهنگی جدید باید به‌گونه‌ای مردم را به سمت این دین فرا بخواند که عقل و عرف نیز پذیرای راهکارهای آن باشند. لذا سوره، جنس انسان‌ها را مخاطب قرار داده و غایت خلقت جنس انسان‌ها را خلیفه الهی شدن بیان کرده است.

- آیین جدید با بیان سابقه توحیدی آن‌که برگرفته از آیین حنیف ابراهیم (ع) است مشروعیت شرعی نیز یافته و پیروان همه ادیان را به پیروی از آئین مشترک این پیامبر جلیل‌القدر دعوت می‌کند.

- به حصر عقلی می‌توان دریافت که تشکیل حکومت اسلامی با تشکیل قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه همراه است؛ حال آن‌که آنچه در این سوره بیان شده بیشتر از جنس مقدمه‌چینی و فرهنگ‌سازی برای تشکیل حکومت اسلامی است، نه تشکیل ارکان حکومت اسلامی.

- شاید بتوان گفت سوره سبع طوال در کنار یکدیگر در صدد بیان تشکیل نظام اسلامی با ارکان آن هستند، چرا که سوره‌های انعام و اعراف به لوازم قانونگذاری و سوره مائده به لوازم اجرایی و سوره آل‌عمران و نساء و انفال و توبه ضمن بیان اصول سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر این نظام راهکارهای نظارتی آن را نیز بیان کرده‌اند. و سوره بقره به‌عنوان بستر و مبنای تشکیل چنین ساختاری است که فراتر از هر ملت و آیینی پیام خود را به‌گوش همه مردم رسانده و آن‌ها را دعوت به حقیقت وجودی

ایشان که کمال‌گرایی به سوی معبود مقدس است متوجه کرده است.

بررسی تناسب ساختار سوره مبارکه بقره با غرض آن

موضوع اصلی سوره مبارکه «بقره» ارائه الگوی زندگی اسلامی به‌عنوان تنها راه سعادت بشر است که با تسلیم و عبودیت محض نسبت به خداوند و گریز از هواهای نفسانی محقق می‌شود. سوره مبارکه بقره غرض خود را در یک مقدمه، هفت فصل و یک خاتمه بیان داشته است؛ مقدمه آن، تقسیم مردم به سه گروه پرهیزکاران، کافران و مدعیان دروغین ایمان و ویژگی‌های آنان و نیز توجه و هشدار به عموم مردم است. که ۲۹ آیه آغازین این سوره را تشکیل می‌دهد و خاتمه آن نیز جمع‌بندی و بیان اجمالی مباحث مطرح شده در هفت فصل سوره است، که در دو آیه پایانی این سوره آمده است.

فصلنامه نقدکتاب

قرآن و تمدن

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۳۳۴

پس از مقدمه و نشان دادن و ملموس ساختن این‌که فلاح و سعادت تنها در صراط مستقیم و راه متقیان و حق‌طلبان، و خسران و ضلالت در کژراهه کافران است، با خطاب «یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون» در آیه ۲۱ و با اشاره به شمه‌ای از نعمت‌های الهی و تثبیت حقانیت رسول مکرم و آنچه بر آن حضرت نازل شده از طریق تحدی و با اشاره به عاقبت سوء انکارها، لجاجت‌ها، پیمان‌شکنی‌ها و بعضی دیگر از معاصی و اشاره به خاتمه نیکوی ایمان و عمل صالح، بر لزوم پیروی از طریق گروه اول (پرهیزکاران) تأکید می‌کند.

از آیه ۳۰ تا انتهای آیه ۳۹ با مطرح ساختن داستان خلقت حضرت آدم (ع) هدف آفرینش انسان خلیفه الهی شدن او بیان شده است. این آیات در ضمن اشاره به کرامت انسانی، با طرح قصه آدم (ع)، به آسیب‌پذیری انسان و در عین حال باز بودن راه توبه و امکان بازگشت، اشاره دارد و به این طریق در عین حال که بر لزوم پیمودن راه متقیان تأکید می‌شود، خطرها و آسیب‌های این راه گوشزد می‌شود.

از آیه ۴۰ تا انتهای آیه ۱۲۳ نمودار روشنی از بی‌تقوایی را در ضمن قصه طولانی و پرفراز و نشیب بنی اسرائیل از زمان حضرت موسی (ع) تا عصر رسول خدا (ص) برای پیمان‌شکنان و بی‌تقوایان بیان می‌دارد. این قسمت از آیات به دو جهت قابل توجه است، چرا که یهودیان نیز مأمور بودند با ارشاد حضرت موسی (ع) خلیفه الهی باشند، اما به دلیل کارشکنی به این هدف نائل نشدند، از دیگر سو یهودیان عصر رسول الله (ص) به رغم منطبق یافتن نشانه‌های موعود بر حضرت محمد (ص) از عهد الهی که ایمان آوردن و یاری ایشان بود سرباز زدند و به این نکته نیز اکتفا نکرده قصد منحرف ساختن جامعه نوپای اسلامی را داشتند. اختصاص بخش قابل توجهی از آیات این سوره به معرفی بنی اسرائیل با چند فایده عمده در مسیر تحقق غرض این سوره همراه است: اول، تأثیرگذاری بر بنی اسرائیل که اصلی‌ترین مانع در راه تحقق آرمان‌های اسلامی و سرفرازی اسلام و مسلمانان هستند. دوم، اعطای بینش دشمن‌شناسی به

مسلمانان که موظف به برافراشتن پرچم توحید در عالم هستند. سوم، آسیب‌شناسی طی مسیر امت اسلام به سمت تحقق آرمان خلافت الهی، تا بار دیگر تجربه‌های تلخ تاریخی بنی‌اسرائیل را تکرار نکنند و در شکل‌دهی جامعه و حکومت اسلامی کامیاب شوند.

از آیه ۱۲۴ تا انتهای آیه ۱۴۱، با طرح امامت ابراهیم (ع)، او و آل پاک او را نمونه عینی تحقق آرمان خلافت دانسته و به‌طور ضمنی فهمانده است که امامت بر مردم روی دیگر سکه خلافت الهی است. این بخش از آیات در عین حال با یادآوری بنای کعبه به دست توانای ابراهیم و اسماعیل (ع) و دعای ایشان در حق شهر مکه و فرزندان‌شان ریشه‌های ابراهیمی دین مبین اسلام را بیان کرده و انتساب یهود به ابراهیم (ع) را زیر سؤال برده و یادآوری کرده است که همه انبیا پیرو آیین راستین توحیدی هستند. در واقع با ذکر این دو قصه، دو روی سکه اختیار و آزادی افراد در مقابل جریان خلافت با شفافیت کامل بیان می‌شود؛ قصه بنی‌اسرائیل برای آن روی سکه که مورد توجه استفهامی فرشتگان بود و با بیان «أتجعل فیها من یفسد فیها...» به آن اشاره شد و قصه ابراهیم و فرزندان پیامبر او برای روی دیگر سکه که در جواب فرشتگان و با جمله «إنی أعلم ما لاتعلمون» از آن خبر داده شد.

پس از بیان داستان بنیان‌گذاری و تطهیر کعبه به دست حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) در آیات قبل، آیه ۱۴۲ برای حادثه بزرگ تغییر قبله و بیان این حکم مهم زمینه‌سازی کرده است و از اعتراض‌های آینده یهود و مشرکان حجاز در این باره خبر داده، جواب اعتراض‌های آنان را به رسول اکرم (ص) می‌آموزد. مطابق آیات ۱۲۷ تا ۱۲۹، از دعاهای حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) هنگام بالا بردن دیوارهای کعبه این بود که پروردگارا این کار را از ما بپذیر و از دودمان ما امتی مسلمان و فرمانبردار خویش قرار ده. طبق آیه مورد بحث و آیات پس از آن خداوند بنای کعبه را از آنان پذیرفت و آن را قبله مسلمانان قرار داد و از دودمان آن‌ها امتی مسلمان پدید آورد که در مسئله قبله و مانند آن تسلیم فرمان او هستند. مقایسه بنی‌اسرائیل با خاندان ابراهیم (ع) گواه آن است که بنی‌اسرائیل با آن همه کفر و ظلم و بی‌تقوایی شایسته خلافت و امامت زمین نیستند. شایسته این خلافت، مسلمانان هستند که پیرو آیین حنیف حضرت ابراهیم‌اند و پیامبر آنان نتیجه دعای حضرت ابراهیم (ع) است، از این رو خداوند سبحان با تغییر قبله، استقلال مسلمانان را از یهود اعلام می‌کند و با این امتحان در صدد خط‌کشی رسمی بین مومنان به اسلام و مدعیان دروغین ایمان یعنی بنی‌اسرائیل و اهل کتاب برآمده است و در پایان، آیه ۱۷۷ مقام نیکوکاران را در بعد اعتقادی و رفتاری معرفی کرده است تا شاید مدعیان دروغین ایمان حداقل به موازین اخلاقی و انسانی پایبند شوند.

سپس، آیات ۱۷۸ تا ۲۱۴ با طرح چهار موضوع قصاص، روزه، قتال و حج دو مورد نخست را به‌عنوان راهکار تقوای فردی با تکیه بر «لعلکم تتقون» و دو مورد اخیر را

به‌عنوان راهکار تقوای اجتماعی و با تکیه بر «و اتقوا الله و اعلموا» بیان کرده است. نظم خاص این چهار موضوع می‌فهماند که برای تحقق تقوای اجتماعی حق تقدم با تقوای فردی است. نکته دیگری که می‌توان از این نظم استفاده کرد این است که قتال در بعد اجتماعی، مانند قصاص در بعد فردی است، چنان‌که حج در بعد اجتماعی نظیر روزه در بعد فردی است. این مجموعه آیات پس از دسته آیات قبل که چشم‌انداز فرهنگ مشترک توحیدی همه انبیا را ترسیم کردند و با بیان رفتارهای ناشایست بنی اسرائیل آن‌ها را نقد کرده و به مسلمانان هشدار داد، اصول قواعد فردی و اجتماعی این فرهنگ را معرفی کرده و در ادامه آیات دسته اول که با بیان «بأیها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم والذین من قبلكم لعلکم تتقون» مردم را به ورود در زمره اهل تقوا فرا خوانده بود به صورت عملی با چگونگی تحقق تقوای فردی و اجتماعی فراخوانده است.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و تمدن

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۳۳۶

آیات ۲۱۵ تا ۲۴۲ به پاسخگویی پرسش‌های مردم در رابطه با مصارف انفاق، جنگ در ماه‌های حرام، شراب و قمار، نحوه ارتباط صحیح با یتیمان و مسائل مربوط به زنان پرداخته است تا مسلمانان را که به دلیل همجواری با اهل کتاب از روش و منش آن‌ها رنگ گرفته بودند با تعالیم روح بخش این دین آسمانی آشنا سازد.

آیات ۲۴۳ تا ۲۸۴ پس از پاسخگویی به پاره‌ای از پرسش‌ها و اعتراضات ناشی از بیان احکام در بخش پیشین، با آسیب‌شناسی مسئله جهاد و روابط اقتصادی، در پی تحقق رفتارهای اجتماعی برآمده است؛ زیرا هدف همه انبیا تحقق این آرمان‌ها بوده و حال این مسئولیت بردوش مسلمانان نهاده شده است. این مجموعه از آیات ضمن پاسخگویی به سؤالات مردم، فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی در بعد جان و مال را برای مردم تبیین می‌کند و ایشان را به دیگرخواهی به جای خودخواهی تشویق می‌کند تا بنیادهای این نظام که ریشه در شناخت فطرت انسانی دارد به نحو احسن پایه‌گذاری شود. شاید آن چیزی که ملانکه در اعتراض به جعل خلیفه در زمین داشتند، همین خودخواهی بشر بوده که داستان بنی اسرائیل آن‌را تأیید و نهی می‌کند و اجتناب از این امر تنها با تاسی از روحیه ایثار که روش و منش بزرگ‌مردانی چون ابراهیم (ع) و ذریه شایسته اوست امکان‌پذیر است.

قرآن کریم معمولاً در پایان هر سوره، خلاصه آن‌را بیان می‌کند، از این‌رو دو آیه پایانی سوره «بقره»، چکیده و جمع‌بندی معارف سوره در سه اصل ایمان به خدا، باور معاد و قبول علمی و عملی همه کتاب‌های آسمانی و رسولان الهی است. در نخستین آیات سوره «بقره» از ایمان به اصول و فروع سخن گفته شد و آیات پایانی مصداق روشن متقیان را که در صدر بیان شده، رسول خدا و همراهان وی می‌داند و با مطرح کردن سه اصل ایمان به خدا، پیامبران و کتب آسمانی و معاد، به اصل عدل و امامت نیز به‌طور ضمنی می‌پردازد، چون اعتقاد به خدا و صفات او باور به عدل را در پی دارد و ایمان واقعی به رسول خدا (ص) مستلزم اعتقاد به امامت عترت طاهرین است. این

آیات در قالب دعا و مناجات با خداوند اصول تفکر اسلامی را که برگرفته از تعالیم انبیاء سلف و پیامبر گرانقدر اسلام (ص) در پرتو تعالیم قرآن است، به‌گونه‌ای بیان داشته که خیر از تحقق آن آرمان‌ها توسط این خلف صالح را به همراه دارد.



بررسی سیاق آیات سوره مبارکه بقره

بهترین راه دستیابی به غرض هر سوره مطالعه مستمر، همراه با تفکر در هر سوره است، لذا جهت کشف غرض سوره مبارکه بقره بارها و بارها این سوره مورد مطالعه قرار گرفته است، علاوه بر آن تفاسیر متعددی که از این سوره ارائه شده‌اند نیز مطالعه شده است. پس از مطالعه حدود پانزده تفسیر که با نگاه تناسب آیات و کشف غرض سوره نگاشته شده‌اند، ضمن مقایسه، نقد و بررسی نتایج ارائه شده در این تفاسیر با توجه به آیات همجوار و نیز ارتباط لفظی آیات با یکدیگر غرض نهایی سوره کشف شده است. هر چند جهت کشف غرض سوره، این مسیر طولانی طی شده است، اما در مقام بیان، ابتدا غرض سوره بیان شد و سپس براساس آن به بیان پیوستگی آیات می‌پردازیم.

بخش اول: آیات ۱ تا ۲۹ (دسته‌بندی انسان‌ها و دعوت عموم مردم به عبودیت و رعایت تقوا)^۸

پس از معرفی گروه‌های انسان‌ها در برابر هدایت الهی که قرآن کریم آن را بیان می‌کند؛ با خطاب یا ایها الناس در آیات ۲۱ تا ۲۴ همه مردم را دعوت به رعایت تقوای الهی کرده و سپس در آیات ۲۵ تا ۲۹ با بیان سرنوشت این اصناف، آن‌ها را متوجه عواقب افکار و کردارشان کرده است تا انگیزه ایشان را در مسیر عبودیت برانگیزد.

آیات ۱ تا ۲۰ (ویژگی‌های اعتقادی و صفات بارز متقین و کافران و مدعیان دروغین ایمان)^۹

متقین در سایه هدایت قرآن علاوه بر ایمان به قرآن، به آنچه بر انبیاء پیشین نازل

شده است ایمان آورده‌اند و به نبوت رسولان الهی معترف هستند. ایشان به غیب، اعم از خداوند و فرشتگان و ... ایمان دارند و در نتیجه این ایمان، نماز به‌پا می‌دارند و نسبت به دیگران بخشنده هستند و به آخرت یقین دارند. ایشان بر مرکب هدایت الهی سوار شده‌اند و سعادت‌مند هستند.

قرآن انسان‌ها را متوجه وجود زندگی پس از مرگ کرده است و به آن‌ها هشدار می‌دهد برای زندگی ابدی خود خوب برنامه‌ریزی کنند. کافران به‌رغم درک این حقیقت نسبت به هشدارهای قرآن بی‌توجه هستند، بنابراین قرآن می‌فرماید: کسی را که نسبت به این امر علم دارد و به یقین خود بی‌توجه است چگونه می‌توان از عالم بیرون به وسیله چشم و گوش هشیار کرد؟

همچنین احوال گروهی از انسان‌ها که به ظاهر مدعی دینداری هستند، اما در باطن کافرند را بیان می‌کند، سپس با ذکر دو مثال، بی‌نتیجه بودن دسیسه‌های ایشان را وعده می‌دهد.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و پژوهش

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۳۳۸

آیات ۲۱ تا ۲۹ (دعوت مردم به تقوا به منظور بهره‌مندی از هدایت قرآن)^{۱۰}

در این آیات عموم مردم به تقوای الهی دعوت می‌شوند تا در جرگه متقینی که در آیات ابتدایی سوره معرفی شدند قرار گیرند. و به منظور جهت‌یابی صحیح با استناد به قدرت خداوند مردم را متوجه قرآنی می‌سازد که از سوی قادر متعال برای هدایت آن‌ها فرستاده شده است، تا آن‌ها را به بهترین سرنوشت اخروی رهنمون شود؛ هرچند کافران با بهانه‌تراشی‌هایی چون ایراد گرفتن به مثل‌های قرآن در راستای خنثی کردن مثل‌هایی که در معرفی مدعیان دروغین ایمان بیان شده بود از پذیرفتن قرآن و دستورالعمل او سر باز می‌زنند.

بخش دوم: آیات ۳۰ تا ۳۹ (خلیفه الهی شدن انسان، هدف تعالیم قرآن)^{۱۱}

این بخش از داستان حضرت آدم (ع) که تنها در این سوره به آن پرداخته شده است، ضمن بیان خلقت ایشان به هدف خلقت که خلیفه الهی شدن انسان‌ها در زمین است با بیان موانع آن مثل وسوسه‌های شیطان می‌پردازد.

بخش سوم: آیات ۴۰ تا ۱۲۳ (بیان موانع خلیفه الهی شدن با یادآوری سرگذشت بنی‌اسرائیل)^{۱۲}

هر چند خطاب سخن در این آیات بنی‌اسرائیل هستند، اما در حقیقت به منظور عبرت‌گیری امت مسلمان از سرنوشت آنان، که از انواع نعمت‌های الهی بهره‌مند شدند به بیان برخی وقایع تاریخ آن‌ها و عملکرد ایشان پرداخته است؛ چراکه آنان نیز پیش از مسلمانان امر شده بودند خلیفه الهی در زمین باشند، اما خصوصیات و رفتارهای آن‌ها مانع شد؛ پس این آیات ضمن بیان سرگذشت ایشان موانع اخلاقی و رفتاری آن‌ها را برای

عبرت‌گیری مسلمانان در ذیل داستان‌های ایشان بیان می‌کند.

آیات ۴۰ تا ۴۸ (وصایا و تشویق و تهدید خداوند نسبت به بنی اسرائیل)^{۱۳}
دعوت بنی اسرائیل هم‌عصر پیامبر به وفای عهد به پیامبر آخرالزمان با ایمان آوردن به ایشان و اطاعت از او امر قرآن و یادآوری نعمات الهی برای ایشان و توجه به حسابرسی روز قیامت. این آیات به منزله مقدمه‌ای است، برای بیان سرگذشت عبرت‌آموز بنی اسرائیل.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و تمدن

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۲۳۹

آیات ۴۹ تا ۶۲ (بیان برخی نعمت‌های بنی اسرائیل و ناسپاسی ایشان)^{۱۴}
در این آیات، در ادامه آیه ۴۷ که آن‌ها را دعوت به یادکردن نعمت‌ها کرده بود، خطاب به بنی اسرائیل، برخی نعمت‌های ایشان را بیان کرده است، تا ضمن تذکر به ایشان، شناخت صحیحی نسبت به آن‌ها به مسلمانان ارائه دهد.
نعمت‌های ایشان با عبارت «و اذ» از یکدیگر تفکیک شده‌اند. گاهی به چند نعمت در یک ماجرا اشاره شده است.

آیات ۶۳ الی ۷۴ (یادآوری پیمان‌ها و پیمان شکنی‌ها)^{۱۵}
در این آیات، در ادامه آیه ۴۷ که آن‌ها را دعوت به وفای عهد کرده بود، خطاب به ایشان، میثاق‌های الهی با بنی اسرائیل و پیمان شکنی‌های آنان را بیان می‌کند.

آیات ۷۵ الی ۸۲ (برملا کردن رفتارهای منحرفانه بنی اسرائیل برای مؤمنین علاقه‌مند به اسلام آوردن آن‌ها)^{۱۶}
از بنی اسرائیل پیش از بعثت، به مدینه هجرت کردند تا از مؤمنان و یاوران پیامبر آخرالزمان باشند و بر همین اساس انتظار می‌رفت که گروه گروه به آیین اسلام درآیند، اما چنین نشد.

این آیات، مسلمانان را از طمع به ایمان آوردن این قوم ناسپاس و پیمان شکن نهی می‌کند، اما برای این نهی، افزون بر استناد به سیره تاریخی بنی اسرائیل که در آیات قبل آمده است، شواهدی زنده از کج‌اندیشی و بدکرداری بنی اسرائیل هم‌عصر مسلمانان نیز ارائه می‌کند، که نشان می‌دهد اینان هم مانند هم‌کیشان خود در طول تاریخ، اهل ایمان آوردن نیستند و چنین طمعی درباره ایشان بی‌نتیجه است.

آیات ۸۳ الی ۸۶ (مواضع یهودیان هم‌عصر پیامبر (ص)^{۱۷})
این آیات افزون بر این‌که جنبه دیگری از معرفی بنی اسرائیل به عنوان مدعیان دروغین ایمان را به تصویر می‌کشد، مانند آیات پیشین، شواهدی دیگر از ناشایستگی این قوم، برای نفی طمع مؤمنین به ایمان ایشان مطرح می‌کند.
نکته دیگر این‌که همان‌طور که در آیات ۴۱ تا ۴۶ توصیه‌هایی به بنی اسرائیل شده بود

که به عهد خدا عمل کنند و به کتاب خدا ایمان بیاورند و اولین کافر به آن نباشند، حق را به باطل نیامیزند، نماز را به پا دارند، زکات را بدهند و غیره و در این راه از صبر و نماز یاری بجویند، گویا این آیات، ایشان را در عمل به این سفارش‌ها ناکام معرفی می‌کند.

آیات ۸۷ الی ۱۰۳ (عکس العمل بنی اسرائیل در مقابل اسلام)

پس از موسای کلیم (ع) هیچ‌گاه جریان نبوت و رسالت قطع نشد. خدای سبحان پس از موسی (ع) پیاپی پیامبرانی فرستاد؛ از این‌رو برای بنی اسرائیل عذری باقی نماند و نمی‌توانند نداشتن پیامبر و قطع رابطه خویش با عالم غیب را بهانه کنند. عمل شنیع پیامبرکشی، ملکه اسرائیلیان شده بود. یهود عصر نزول قرآن نیز در این عمل ناروا با اسلاف خویش هم‌فکر بودند؛ چنان‌که برای کشتن رسول اکرم (ص) نیز تلاش بسیار کردند. یهودی‌ها با بهانه‌هایی مانند، قرآن بر (نژاد) ما نازل نشده است، پیامبر اسلام باید برای ما معجزه بیاورد، ما قطعاً بهشتی هستیم، نباید جبرئیل واسطه نزول آیات باشد و این‌که پیامبر اسلام ساحر است از قبول دعوت رسول الله (ص) که منطبق بر دعوت تورات بود سر باز زدند.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و پیش

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۳۴۰

آیات ۱۰۴ تا ۱۱۰ (هشدار به مؤمنین در مورد حسد اهل کتاب و قصد بازگرداندن جامعه به حالت کفر)^{۱۸}

آیات قبل در معرفی بنی اسرائیل، بیان داشت که ایشان اهل ایمان آوردن به قرآن نیستند. آنچه در این آیات بیان می‌شود، آن است که بنی اسرائیل نه تنها به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان نمی‌آورند، بلکه در مقابله با اسلام و مسلمانان، به توطئه و کارشکنی می‌پردازند و در تضعیف ایمان مسلمانان سعی بلیغ دارند. این آیات افزون بر بیان این کارشکنی‌ها، با آگاهی دادن و هشدار به مسلمانان، راهکاری برای دفع و رفع خطرات ناشی از دشمنی‌های بنی اسرائیل است. نکته قابل توجه آن است که این آیات، در بیان کارشکنی‌ها، یهود و نصاری را با یکدیگر هم‌تراز دانسته و مباحث را با تعابیری نظیر «اهل الکتاب» پیگیری کرده است.

آیات ۱۱۱ الی ۱۱۸ (پاسخ به برخی ادعاهای باطل اهل کتاب)^{۱۹}

در این آیات به برخی از ادعاهای باطل اهل کتاب مانند انحصاری بودن بهشت برای یهود و نصاری و فرزند داشتن خداوند که در آیات قبل هم به برخی از آن‌ها به صورت جداگانه اشاره شده بود، پاسخ داده شده است.

آیات ۱۱۹ الی ۱۲۳ (خطاب به پیامبر در مورد چگونگی دعوت غیر مسلمانان)

این آیات به منزله خاتمه خطاب‌های خداوند به بنی اسرائیل، با تبیین وظایف پیامبر (ص) در برخورد با اهل کتاب است. همچنین پس از ذکر احوالات بنی اسرائیل در گذشته

و حال، عوامل سقوط و انحطاط ایشان از خلیفه الهی شدن، که مأمور به آن بودند به مسلمانان گوشزد می‌کند تا عبرتی برای آنان باشد.

بخش چهارم: آیات ۱۲۴ تا ۱۴۱ (امامت ابراهیم میراثی برای وارثان حقیقی او)^{۲۰}

از آنجا که هم اهل کتاب خود را وارث ابراهیم (ع) و آیین او می‌دانستند و هم مشرکان مدعی همبستگی و ارتباط محکمی بین خود و ابراهیم (ع) بودند، برای اثبات بیگانگی هر دو گروه از ابراهیم (ع) و آیین او؛ مرام و مسلک این پیامبر بت‌شکن و فداکاری‌ها، تقوا، مطیع محض بودن و روحیه تسلیم او را نسبت به ساحت قدس ربوبی به رخ آنان کشیده و ثابت کرده ملت و آیین ابراهیم (ع) همان توحید و تسلیمی است که رسول مکرم (ص) جامعه را به آن فرامی‌خواند، نه آنچه شما مدعی آن هستید و به حضرت ابراهیم (ع) نسبت می‌دهید. رفتار و کردار و گفتار ابراهیم (ع) و پیامبران ابراهیمی که فرزندان او هستند به آن گواهی می‌دهد؛ آنان با گفتار و عمل خود از یک سو منادی توحید و تسلیم و از سوی دیگر مبطل شرک و شکننده بت بودند و به حقانیت رسول مکرم (ص) گواهی دادند.^{۲۱}

آیات ۱۲۴ الی ۱۲۹ (ابراهیم ع) الگو و اسوه انسان‌ها)^{۲۲}

آیه ۱۲۴ مطلع مجموعه‌ای از آیات است که سلوک عملی حضرت ابراهیم (ع) و فرزندان پیامبر او را ترسیم می‌کند. سپس به جایگاه قدم مبارک ابراهیم (ع) اشاره می‌کند و به نماز گزاردن در این جایگاه فرمان می‌دهد. آنگاه از پیمان ویژه‌ای که از حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل (ع) نسبت به تطهیر خانه خدا گرفته شد سخن به میان می‌آورد.

آیات ۱۳۰ الی ۱۳۴ (دعوت به آیین ابراهیمی)^{۲۳}

پس از معرفی آیین ابراهیم (ع) در آیات قبل در این آیات گرایش به این آیین را وصیتی دیرین در میان انبیاء پیشین معرفی می‌کند و انسان‌ها را تشویق به پیروی از این آیین می‌کند.

آیات ۱۳۵ الی ۱۴۱ (تبعیت پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان از آیین حضرت ابراهیم (ع))^{۲۴}

یهود و نصارا هر یک دین تحریف شده خود را برحق، و آن را تنها راه هدایت و نجات می‌پنداشتند و دیگر ادیان و ملل را مطلقاً بر باطل می‌دانستند و پیروان آن‌ها را تکفیر می‌کردند.

آنان بر اساس همین تعصب جاهلی، مسلمانان را به دین خود دعوت می‌کردند، از این رو خدای سبحان به رسول اکرم (ص) فرمود: بگو ما، به هیچ‌یک از یهودیت و مسیحیت نمی‌گرویم، بلکه دین و ملت حضرت ابراهیم (ع) را که فطری و منزّه از شرک و گرایش به باطل است پذیرفته‌ایم و تابع آن خواهیم بود و شما را نیز به آن دعوت می‌کنیم تا همه رنگ‌ها را شسته و به رنگ یکرنگ خدایی درآییم.

بخش پنجم: آیات ۱۴۲ تا ۱۷۷ (لزوم رعایت تقوا توسط مدعیان ادیان توحیدی)^{۲۵}
 خداوند پس از آن که مردم را دعوت به تطهیر از پلیدی‌ها و دوری از اوامر شیطانی امر کرد، ایشان را دعوت به حسن رفتار در ابعاد مختلف نمود. همچنین خداوند پس از تبیین کفر اهل کتاب، به ویژه به سبب اختلاف آن‌ها در تورات و انجیل و کتمان آیاتی از آن، که دین اسلام را تأیید می‌کرد، اکنون به این مطلب اشاره می‌کند که احکام فرعی اصل مقصود نیست. استقبال به کعبه نیز که از موارد اختلاف اهل کتاب، کتمان دلایل حقانیت آن و طعنه فراوان به مسلمانان در این باره بود، اصل مقصود نیست، بلکه اصل مقصود همان اصول اعتقادی، مانند ایمان به خداست که همه طاعات از پی آن می‌آید و از جمله نماز که استقبال به کعبه شرط صحت آن است. همچنین مراد طاعت خداوند و پیروی از اوامر او و روگردن به هر سویی است که وی فرمان دهد، پس رو کردن به مشرق و مغرب اگر بر اساس تشریح و امر خداوند نباشد (رو کردن به بیت المقدس برای یهودیان و یا مشرق برای مسیحیان امر خداوند نبوده است) هرگز برّ و طاعت نیست.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و کیش

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۳۳

آیات ۱۴۲ تا ۱۶۲ (قبله نماد استقلال مسلمانان)^{۲۶}
 این آیات استقلال هویت مسلمانان براساس قبله بودن کعبه و نیز رهبری پیامبر اکرم (ص) در راستای رهبری حضرت ابراهیم (ع) را بیان کرده است تا مانع بهانه‌جویی‌ها و کارشکنی‌های اهل کتاب شود.

آیه ۱۶۳ تا ۱۷۷ (رسیدن به مقام نیکوکاری سرمنزل هدایت انسان‌ها)^{۲۷}
 در ادامه آیات قبل که مسلمانان را به عنوان امت وسط جهت پیشوایی سایر امت‌ها معرفی کرد به بیان شناختی صحیح از مبدأ و معاد انسان پرداخته است و انسان‌ها را دعوت به اخذ بهترین روش، که همان روش منطبق با فطرت سلیم انسانی و نیز روش انبیا و اولیاء الهی است و اسلام نیز رهرو این منش است تشویق می‌کند.

بخش ششم: آیات ۱۷۸ تا ۲۱۴ (بیان اصلی‌ترین قوانین اجتماعی جهت حفظ وحدت جامعه)

شکل‌گیری یک نظام اجتماعی توحیدی مستلزم پیروی از قوانین و مقرراتی است که توسط خداوند تبارک و تعالی با توجه به مبدأ و معاد انسان و نیز سرمایه‌ها و امکانات او طراحی شود. در چنین نظامی باید حقوق انسان‌ها محترم شمرده شود و علاوه بر تشویق انسان‌ها به رعایت این حقوق، قوانین کاربردی جهت رفع اختلافات محتمل وضع شود تا مردم بدون نزاع به اختلافات خود خاتمه دهند.

آیات ۱۷۸ تا ۱۸۹ (قوانینی برای حفظ جان و مال مردم)^{۲۸}
 در این آیات، سه حکم فقهی بیان شده که یکی به مسائل جنایی و دیگری به مسائل

حقوقی و سومی علاوه بر مسائل عبادی زمینه‌ساز تقویت تقواست که خود زمینه تربیت افراد جهت امتثال قوانین در جامعه است. افزون بر این، مناسبت روزه با قصاص و وصیت آن است که قصاص، قتل حسی نفس و روزه قتل شهوت است. قصاص، حیات پیکرها را تضمین می‌کند و نتیجه روزه، حیات روح‌هاست.

آیات ۱۹۰ تا ۲۰۳ (جهاد برای رفع فتنه و زدودن خانه توحید از شرک)^{۲۹}

در این آیات برای نخستین بار اذن جهاد با مشرکین مکه که علاوه بر بیرون کردن مسلمانان از حرم امن الهی قصد کشتار مسلمانان را دارند، داده شده؛ همچنین حدود و لوازم آن را بیان کرده است و به ترتیب، اصل حکم، نظام آن، حد شدت و سخت‌گیری در آن، مکان و زمان و سرآمد آن، همچنین فلسفه این که حکم یاد شده، تشریح قصاص در جنگ و کشتار و مقابله به مثل است، بیان شده است. سرانجام نیز مقدمه مالی آن، یعنی انفاق برای تجهیز سپاه را واجب می‌کند.

سپس لزوم به پا داشتن فریضه حج ابراهیمی را یادآوری کرده و احکام و حدود آن مانند زمان حج و عمره، نیت، احرام، وقوف در عرفه، وقوف در مشعر، طواف زیارت، و سعی بین صفا و مروه، احکام قربانی، همچنین جواز تجارت در ایام حج را بیان کرده است. همچنان که روزه تمرین تقوای فردی بود در این آیات حج به عنوان تمرینی برای تقوای اجتماعی بیان شده تا جامعه از آسیب‌های فردی مانند قتل نفس که قصاص را به دنبال خواهد داشت و نیز آسیب‌های اجتماعی مانند جنگ و قتال مصون بماند.

آیات ۲۰۴ تا ۲۱۴ (معرفی راه حفظ وحدت و نیز عوامل پیدایش اختلاف در جامعه)^{۳۰}

در مجموعه آیات قبل، از تشریح حج تمتع و خطوط کلی احکام حج و عمره سخن به میان آمد. در بخش پایانی آن، خداوند متعال انسان‌ها را از نظر منطق و سیره عملی به دو گروه دنیاطلبان و نیک‌خواهان در دنیا و آخرت تقسیم کرد؛ به همین مناسبت در ادامه به تقسیم دیگری از انسان‌ها پرداخته است و آن‌ها را از جهت صفات و نتایج اعمالشان نیز به دو گروه با تقوا و بی‌تقوا دسته‌بندی می‌کند. سپس در آیات بعدی راه حفظ وحدت دینی در جامعه انسانی را بیان می‌کند که، ورود در سلم و بسنده کردن به دین خدا در اندیشه و رفتار است. تنها در این صورت است که وحدت و سعادت دنیا و آخرت تأمین می‌شود و گرنه با خروج از سلم و دخول در تصرف در آیات الهی همان‌گونه که از بنی اسرائیل و دیگران سرزد، وحدت دینی از هم گسسته می‌شود و سعادت دنیا و آخرت رخت بر می‌بندد و هلاکت عمومی فرا می‌رسد.

بخش هفتم: آیات ۲۱۵ تا ۲۴۲ (پاسخ به پرسش‌های مربوط به احکام مطرح شده)

در بخش گذشته برخی قوانین اساسی اسلام جهت حفظ کيان جامعه مثل قصاص، روزه، حج، جهاد و انفاق بیان شد. بیان این احکام در جامعه نوپای مدینه سؤالاتی را در

پی داشت، که در این بخش پاسخ سؤالات اساسی درباره انفاق، جهاد و خانواده بیان شده است. نخست گوشزد شده است چه چیز، به چه کس و به چه نحو انفاق شود. سپس موضوعات مهمی درباره قتال با مشرکان مطرح می‌شود؛ موضوعاتی مانند، تشریح جهاد و تصحیح نگرش مؤمنان به آن، حکم قتال در ماه‌های حرام و حکمت و جوب جهاد که موجب رفع فتنه است؛ زیرا مشرکان تصمیم جدی بر ستیز همیشگی با مؤمنان و تلاش پیوسته برای بازگرداندن مؤمنان از دین خدا داشته‌اند و از طرق مختلف در صدد تحقق خواسته خود بوده‌اند، گاهی با جنگ افروزی و گاهی با نفوذ در فرهنگ مسلمانان. سپس با بیان حرمت ازدواج با مشرکین که ریشه در فرهنگ حیات طیبیه مسلمانان دارد مباحثی را پیرامون حفظ کیان خانواده بیان می‌دارد تا فرهنگ جامعه از گزند مشرکان و افکار جاهلی در امان بماند.

فصلنامه نقد کتاب

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۲۴۴

آیات ۲۱۵ تا ۲۲۰ (تشویق به اموری، انفاق و جهاد، که انسان از آن‌ها کراهت دارد اما خیر او در آن‌هاست)^{۳۱}

علت کراهت مؤمنان از جنگ، سختی‌ها، زیان‌های مالی و جانی، ناامنی و گرانی است که جنگ در پی دارد و طبع هر انسانی از این امور گریزان است؛ نه این‌که خود را در برابر دشمن ضعیف می‌دانستند و نگران شکست اسلام بودند، و نه این‌که بر اثر عطف و رأفتی که در پرتو تربیت اسلامی پیدا کرده بودند.

در این آیات معیار محبت و کراهت و خیر و شر را رهنمود عقل و نقل معرفی می‌کند نه خواسته طبع، زیرا تنها خداست که عالم مطلق است و همه چیز را می‌داند و انسان، جاهل است و از این‌رو در تشخیص خیر و شر سخت نیازمند عقل و نقل معتبر است، تنها با تن دادن به رهنمودهای الهی است که می‌تواند به خیر برسد و از شر ببرد. انسان‌های خودساخته در پرتو ایمان به خدا و دل‌کندن از مظاهر فریبنده دنیا دشواری انفاق و قتال را از یک سو به آسانی، و کراهت طبیعی جنگ و ترس از فقر را از سوی دیگر به محبوبیت جهاد و انفاق، تبدیل می‌کنند.

آیات ۲۲۱ تا ۲۴۲ (بیان تفصیلی احکام خانوادگی)^{۳۲}

هدف از تبیین آیات، آموزش حکمت و بیان مصالح و مفاسد احکام نیست، بلکه یادآوری و پرده‌برداری از دانسته‌هایی است که درون انسان‌ها نهفته است. پس از این‌که خداوند در آیات قبل احکامی جهت حفظ ارکان جامعه اسلامی بیان کرد و چگونگی روابط مسلمانان در جامعه و نیز در برابر سایر جوامع مانند اهل کتاب و مشرکان را، چه از جهت خطوط فکری و فرهنگی و چه از لحاظ خطوط جغرافیایی تبیین کرد به مسئله خانواده پرداخته و برخی مسائل مربوط به خانواده را مطرح کرده است. چرا که خانواده کوچک‌ترین واحد تشکیل دهنده اجتماع است و وظیفه تربیت نسل‌ها را بر عهده دارد. بنابراین اصلاح خانواده مهم‌ترین گام در راه اصلاح فرهنگ جامعه خواهد بود.

بخش هشتم: آیات ۲۴۳ تا ۲۸۴ (نهادینه کردن فرهنگ جهاد و انفاق در راستای حفظ استقلال و اقتصاد جامعه)

این بخش ابتدا با یادآوری دو داستان از لزوم نبرد در راه حق به صورت غیر صریح مردم را تشویق به آمادگی برای گذشت از جان خویش می‌کند و سپس با امر به انفاق دامنه گذشت و ایثار را به عرصه اموال نیز گسترش می‌دهد و سپس آیات پر محتوایی را به مسائل اعتقادی مربوط به توحید و معاد با رویکرد اثبات علم و قدرت بیکران الهی اختصاص داده است تا زمینه‌های اعتقادی نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار و به خصوص انفاق را فراهم سازد و پس از آن دوباره به ادامه آیات مربوط به انفاق پرداخته است. پرداختن به بحث جهاد و انفاق به صورت توأم شاید از آن جهت باشد که جهاد نوعی انفاق جانی است، زیرا حفظ کیان جامعه وابسته به اقتصاد صحیح و ایجاد امنیت در جامعه است. آیات پایانی این بخش نیز در صدد نهادینه‌سازی فرهنگ انفاق بی‌ریا و تجارت بی‌ریا در جامعه است.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و تمدن

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۲۴۵

آیات ۲۴۳ الی ۲۵۳ (نهادینه کردن فرهنگ جهاد با توجه به فراگیر بودن مرگ) ۳۳
پس از بیان برخی احکام تکلیفی خانواده مانند نکاح و طلاق و امر کردن به محافظت بر نماز، در این آیات، برای عبرت گرفتن شنوندگان به قصه عجیبی از داستان‌های مربوط به معاد و نیز داستانی از داستان‌های بنی اسرائیل اشاره می‌کند تا همگان را به اطاعت از خداوند و محافظت بر عبادت و عمل صالح برای معاد و ترک دشمنی با دین خدا و ادای حقوق بندگان وا دارد.

گفتنی است با توجه به فضای نزول این سوره که نزول این آیات را بعد از جنگ بدر و پیش از جنگ احد شمرده است، این آیات مقدمه‌ای برای آماده‌سازی مسلمانان برای جنگ بعدی و جنگ‌های پس از آن است و از این جهت با آینده پیوندی خوب دارد، زیرا هراس از مرگ سودمند نیست و فرار از آن مفید نخواهد بود، پس چه بهتر که انسان به دور از خودخواهی‌ها به مبارزه با مهاجمان ستمگر برخیزد.

آیات ۲۵۴ تا ۲۸۴ (نهادینه کردن نظام اقتصادی اسلام بر محور انفاق، و رفع آسیب‌های آن)

قرآن کریم، همواره جهاد مالی (انفاق) را در کنار جهاد جانی آورده است که نشان پیوند آن دو است، پس از آیات قبل که مربوط به جهاد با جان بود در این آیات جهاد با مال بیان شده که نشان ارتباط تنگاتنگ این دو است. سپس جهت تقویت انگیزه انفاق کردن، ابتدا ربوبیت خدا را اثبات کرده و سپس به اثبات رستاخیز و قدرت خدا بر احیای مرده‌ها پرداخته و پس از آن برای تشویق مؤمنان به انفاق و بیان جهات مختلف این مسئله ضمن بیان مثل‌هایی به تبیین مسئله انفاق پرداخته است. و در آیات بعد با ذکر موانع، آسیب‌های مربوط به نظام اقتصادی و راه برون‌رفت از این مسائل را بیان می‌کند.

بخش نهم: آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ (فصل الخطاب سوره بقره)

قرآن کریم معمولاً در پایان هر سوره، خلاصه آن را از باب «رَدُّ الْعُجْزِ إِلَى الصِّدْرِ» بیان می‌کند، از این رو دو آیه پایانی سوره «بقره»، چکیده و جمع‌بندی معارف سوره در سه اصل ایمان به خدا، باور معاد و قبول علمی و عملی همه کتاب‌های آسمانی و رسولان الهی است. برخی از مفسران، آیه را ناظر به آیه قبل می‌دانند، ولی ضمن حفظ نظم و ارتباط با آیه سابق، پیوند آیه با آیات آغازین سوره روشن است، زیرا در نخستین آیات سوره «بقره» از ایمان به اصول و فروع سخن گفته شد و آیات پایانی مصداق روشن متقیان را که در صدر بیان شده است، رسول خدا (ص) و همراهان وی می‌داند و با مطرح کردن سه اصل ایمان به خدا، پیامبران و کتاب‌های آسمانی و معاد، به اصل عدل و امامت نیز به‌طور ضمنی می‌پردازد، چون اعتقاد به خدا و صفات او باور به عدل را در پی دارد و ایمان واقعی به رسول خدا (ص) مستلزم اعتقاد به امامت عترت طاهرین (ع) است.

فصلنامه نقد کتاب

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۳۴۶

آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ (اعتراف رسول خدا ۹ و مؤمنان به تمکین در برابر او امر الهی)

پیامبر (ص) به آنچه از پروردگارش بر او فرود آمده است، ایمان آورد و مؤمنان همراه او نیز هماهنگ با نظم طبیعی، همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و فرستادگان ایمان آوردند.

ذکر جداگانه نام رسول الله (ص) به جهت برتری مقام ایشان نسبت به مؤمنان و نیز تفاوت ایمان آن حضرت با ایمان آنان است.

مقصود از «ملائکه»، فرشته‌های متنوع الهی‌اند. مراد از «کُتُب»، کتاب‌های آسمانی رسولان و کتاب‌هایی مانند ام‌الکتاب و لوح محفوظ است. «رسل» همان فرستادگان الهی از جنس بشر و فرشتگان حامل وحی‌اند. رسول خدا (ص) و مؤمنان دیگر، به رسالت همه انبیا: ایمان داشتند و هیچ‌یک را انکار نمی‌کنند.

مؤمنان گوش شنوا دارند و اهل اطاعت‌اند و تشنه مغفرت الهی و بر این باور هستند که تکامل و صیورت نظام هستی تنها به سوی خداست.

نتیجه

در این پژوهش فرض بر این بود که آیات قرآن کریم به خلاف آنچه در نگاه اول به صورت پراکنده و نامنسجم دیده می‌شوند دارای ارتباط ارگانیک هستند، لذا به صورت تطبیقی تلاش شد این نظریه در سوره مبارکه بقره بررسی شود.

همان‌گونه که در بخش‌های قبل اشاره شد، مهم‌ترین عامل در کشف غرض سوره، سیاق آیات سوره است. کشف سیاق آیات با کمک آیات هم‌جوار، تناسب نحوی و بلاغی آیات که از ارتباطات لفظی آیات سرچشمه می‌گیرد و نیز رکوعات قرآنی میسر شده است. در این مسیر هم‌زمان با سیاق‌بندی آیات و توجه به سیر مباحث مطرح شده در هر سیاق،

خصوصیات ظاهری سوره و نیز فضای نزول سوره مبارکه بقره غرض این سوره که «بیان الگوی سبک زندگی توحیدی با چشم‌انداز خلیفه الهی شدن انسان‌ها در مین» است استخراج شد.

منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ **الأمالی (للمصدق)**، چاپ پنجم، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ هـ.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ **عیون أخبار الرضا**، مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ هـ. ج ۲.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس؛ **معجم مقاییس اللغة**، هارون عبدالسلام محمد، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ. ج ۶.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**، چاپ سوم، میردامادی، جمال‌الدین، بیروت: انتشارات دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ. ج ۱۵.
۵. الهی‌زاده، محمد حسین؛ **درسنامه تدبر در قرآن جزء ۳۰**، چاپ سوم، مشهد: تدبر در قرآن و سیره، ۱۳۹۳ ش، ج ۳.
۶. بازرگان، عبدالعلی؛ **نظم قرآن**، چاپ دوم، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۷۵ ش، ج ۴.
۷. بستانی، محمود؛ **المنهج البنائی فی التفسیر**، چاپ اول، دارالهادی، ۱۴۲۲ هـ.
۸. البقاعی، برهان‌الدین؛ **نظم الدرر فی تناسب الایات و السور**، عبدالرزاق غالب المهدی، چاپ سوم، لبنان: انتشارات دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۴ هـ.
۹. البنا، حسن؛ **مقاصد القرآن الکریم**، چاپ اول، کویت: دارالوثیقه، ۱۴۲۵ هـ.
۱۰. توحیدلو، اکبر؛ **جمله‌شناسی قرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، **قرآن در قرآن**.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن؛ **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، مؤسسه آل بیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ هـ. ج ۳۰.
۱۳. حریری، محمد یوسف، **فرهنگ اصطلاحات قرآنی**، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. حقیقت جو، حسین؛ **چهل مثل از قرآن کریم**، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۳۱ هـ.
۱۵. حبّکه، عبدالرحمن؛ **قواعد التدبر الامثل لکتاب الله**، چاپ سوم، دمشق: انتشارات دارالقلم، ۱۴۲۵ هـ.
۱۶. _____؛ **معارض التفكير و دقائق التدبر**، چاپ اول، دمشق: انتشارات دارالقلم، ۱۴۲۷ هـ. ج ۱۵.
۱۷. حکیم، سید منذر، صالحی، عبدالرزاق؛ **پیشوایان هدایت**، مترجم: کاظم حاتمی طبری، چاپ اول، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ هـ. ج ۱۴.
۱۸. حوی، سعید؛ **الاساس فی التفسیر**، چاپ سوم، قاهره: انتشارات دارالاسلام، ۱۴۱۲ هـ. ج ۱۰.
۱۹. خامه گر، محمد؛ **ساختار هندسی سوره‌های قرآن**، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

۲۰. خضر، السيد؛ **فواصل الايات القرآنيه**، چاپ دوم، قاهره: مكتب الاداب، ۱۴۳۰ هـ.
۲۱. العُموش، خُلُود؛ **گفتمان قرآن، بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن** (مطالعه موردی: سوره بقره)، ترجمه حسن سیدی، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. خوجه، محمد بن محمود؛ **الوحده القرآنيه**، چاپ اول، ریاض: دار کنوز اشبیلیا، ۱۴۳۱ هـ.
۲۳. خوبی، سید ابوالقاسم؛ **البيان في تفسير القرآن**، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۳ هـ.
۲۴. الدحداح، ابوفارس؛ **الاعراب المرئی للقرآن**، چاپ اول، لبنان: دارالعربیه، ۱۴۲۷ هـ، ج ۵.
۲۵. دروزه، محمد عزه؛ **التفسیر الحديث**، چاپ دوم، قاهره: انتشارات دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ هـ.
۲۶. راضی، ابوالفتوح؛ **روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن**، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲۰.
۲۷. زرین کوب، عبدالحسین؛ **بامداد اسلام**، چاپ بیستم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲ ش.
۲۸. زهره، ابو محمد؛ **زهره التفاسیر**، قاهره: دارالفکر العربی.
۲۹. سالم فرج، بشیر؛ **اعراب القرآن الکریم**، چاپ اول، بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۴۲۰ هـ.
۳۰. سبحانی، محمد عنایت الله، اسد سبحانی، **امعان النظر في نظام الآیة و السور**، چاپ اول، عمان: دار عمار، ۱۴۲۴ هـ.
۳۱. سیوطی، **الاتقان في علوم القرآن**، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ هـ، ج ۲.
۳۲. سیوطی، جلال الدین؛ **تناسق الدرر في تناسب السور**.
۳۳. سیوطی، جلال الدین؛ **در المثنور في تفسير المأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ.
۳۴. شحاته، عبدالله محمود؛ **اهداف كل سورة و مقاصدها**، ج ۴.
۳۵. شلتوت، شیخ محمد؛ **تفسیر القرآن الکریم**، چاپ اول، تهران: انتشارات المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۱ هـ.
۳۶. صفایی حایری، علی؛ **تطهير با جاری قرآن**، چاپ اول، قم: انتشارات ليله القدر، ۱۳۸۰ ش.
۳۷. طباطبایی، محمدحسین؛ **الميزان في تفسير القرآن**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ، ج ۲۰.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البيان في تفسير القرآن**، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰.
۳۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، **جامع البيان في تفسير القرآن**، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ هـ، ج ۳۰.
۴۰. طیل، حسن؛ **اسلوب الالتفات في البلاغه القرآنيه**، مدینه: دارالناسیف، ۱۴۱۱ هـ.
۴۱. طماز، عبدالمحمود؛ **الاسلام لله تعالى في سورة البقره**، چاپ اول، دمشق: انتشارات دارالقلم، ۱۴۱۴ هـ.

۴۲. الطویل، احمد؛ **محتویات السور القرآن الکریم**، چاپ اول، ریاض: انتشارات مدارالوطن للنشر، ۱۴۳۴ هـ.
۴۳. عباشی، محمد بن مسعود؛ **کتاب التفسیر**، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ هـ، ج ۲.
۴۴. فیض الاسلام، سیدعلی نقی؛ **ترجمه و تفسیر قرآن عظیم**، چاپ اول، تهران: انتشارات فقیهه، ۱۳۷۸ هـ، ج ۳.
۴۵. فیض کاشانی، ملامحسن، **تفسیر الصافی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ هـ، ج.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد؛ **الجامع لأحكام القرآن و المبین لما تضمنه من السنّة و آی الفرقان**، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش، ج ۲۰.
۴۷. قطب، سید؛ **فی ظلال القرآن**، چاپ هفدهم، بیروت، قاهره: انتشارات دارالشروق، ۱۴۱۲ هـ، ج ۶.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ **الکافی**، دارالحدیث، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵.
۴۹. گلجانی امیرخیز، ایرج؛ **نگرش سیستمی به ساختار سوره‌های قرآن**، چاپ اول، تهران: شمسه خوش نگار، ۱۳۸۴ ش.
۵۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیه السلام)** (ط - بیروت)، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۱۱۱.
۵۱. محمد بن ابراهیم، **الحمد؛ اغراض السور فی تفسیر التحریر و اتنویر لابن عاشور**، چاپ اول، ریاض: انتشارات دار ابن الخزیمه، ۱۴۲۸ هـ ق.
۵۲. مدرسی، سید محمد تقی؛ **من هدی القرآن**، چاپ اول، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ هـ، ج ۱۸.
۵۳. _____؛ **سوره‌های قرآن دورنمایه ها و محورها**، محمد تقدمی صابری، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ هـ ش.
۵۴. مرز الخامس، یوخنا؛ **موسوعه المصطلح النحوی من النشأة الی الاستقرار**، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۳ هـ ق، ج ۲.
۵۵. مرکز اسناد مجلس؛ **رسالة فی کتابة المصحف**، چاپ اول، تهران: رسالة فی کتابة المصحف، ۱۳۸۵ ش.
۵۶. مستفید، حمیدرضا و دولتی، کریم، **تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی**، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۸۴ ش.
۵۷. مستفید، حمیدرضا؛ **قرآن کریم با ترجمه و توضیحات لغوی ادبی**، چاپ اول، تهران: انتشارات حنیف، ۱۳۹۰.
۵۸. مسلم، مصطفی؛ **التفسیر الموضوعی**، امارات: انتشارات جامعه الشارقة، ۱۴۳۱ هـ ق، ج ۱۰.
۵۹. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۶۰ ش، ۱۵ ج.

۶۰. مهدوی راد، محمدعلی؛ **آفاق تفسیر**، چاپ اول، تهران: انتشارات هستی نما، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۶۱. موسی احمد، محمد الامین؛ **الاتصال غیر الفظی فی القرآن الکریم**، اشراف: علی محمد شمو، چاپ اول، شارجه: دارالثقافه و الاعلام، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۶۲. مولایی نیا، عزت الله؛ **اسالیب بیانی قرآن کریم** (پژوهشی پیرامون جمله‌های معترضه در قرآن کریم)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۳ ش.
۶۳. النحاس، ابوجعفر؛ **اعراب القرآن**، الشیخ خالد العلی، چاپ دوم، لبنان: دارالمعرفة، ۱۴۲۹ هـ.ق.
۶۴. واسطی زبیدی، محب الدین سیدمحمد مرتضی؛ **تاج العروس من جواهر القاموس**، محقق و مصحح: علی شیری، چاپ اول، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۶۵. یوسفی غروی، محمد هادی؛ **تاریخ تحقیقی اسلام**، مترجم: حسین علی عربی، چاپ اول، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲ ش، ۴ ج.

فصلنامه نقدکتاب

قرآن و پژوهش

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۲۵۰

فهرست مقالات

۱. آقایی، سیدعلی؛ «مقاله انسجام قرآن؛ رهیافت فراهی - اصلاحی در تفسیر».
۲. جلالی، عبدالمهدی؛ «شناخت نامه اسامی سوره‌ها».
۳. سلوی محمد العوی؛ «مطالعه زبان شناختی روابط متنی در قرآن»، ترجمه: ابوالفضل حری.
۴. شرف الدین، «ترابط الایات و اغراضها فی سوره البقره».
۵. گلجانی امیر خیز، ایرج؛ «چشم اندازی بر سبک بیانی قرآن»، قرآن در آینه پژوهش (مقالات علمی پژوهشی فارغ التحصیلان دکتری تخصصی، دفتر سوم)، تهران: نشر هستی نما، چاپ سوم، ۱۳۸۷ هـ.ش، ۸۷.
۶. لطفی، امیرعلی؛ «مطالعه قرآن به روش سیستمی».
۷. معرفت، محمد هادی؛ «اجزاء و تقسیمات قرآن کریم».

فهرست منابع الکترونیک

۱. پایگاه مجلات تخصصی نور.
۲. جوادی آملی، عبدالله؛ **تفسیر تسنیم**، بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء.
۳. حدیث نت (پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه).
۴. فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ دستور خط فارسی.
۵. کتابخانه دیجیتال نور.
۶. کتابخانه دیجیتالی قائمیه اصفهان.
۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم؛ دایرةالمعارف قرآن کریم، دانشنامه موضوعی قرآن کریم.
۸. نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

پی‌نوشت‌ها

۱. السورة التي يذكر فيها البقرة فسقاطا القرآن، سيوطي، جلال الدين، در المنثور في تفسير المأثور، ج ۱، ص ۵۱.
۲. البقرة سنم القرآن وذوته، سيوطي، الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۷۲.
۳. رسول خدا (ص) فرمودند، جبرئيل بر من وارد شد و گفت: «... سيدالكلام قرآن و سيد القرآن سورة بقره است». مجلسي، پيشين، ج ۶۱، ص: ۳۰.
۴. سيوطي، الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۷۲.
۵. روى أن النبي ۹ بعث بعثا ثم تبعهم يستقرئهم فجاء إنسان منهم فقال ما ذا معك من القرآن حتى أتى على أحدتهم سنا فقال له ما ذا معك من القرآن قال كذا و كذا و سورة البقرة فقال أخرجوا و هذا عليكم أمير قالوا يا رسول الله ۹ هو أحدثنا سنا قال معه سورة البقرة. طبرسي، پيشين، ج ۱، ص ۱۱۱.
۶. «إن أصفر البيوت من الخير بيت لا يقرأ فيه سورة البقرة» رازی، پيشين، ج ۱، ص ۳۷.
۷. طبق نظر آقای یوسفی غروی در کتاب تاریخ تحقیقی اسلام پس از نزول حدود نیمی از سوره بقره سوره انفال با بیان وقایع جنگ بدر در ماه رمضان سال دوم هجرت نازل شده است. اگر نظر ایشان را بپذیریم و با توجه به این‌که سوره انفال هشتاد و هشتمین سوره نازل شده شمرده شده است، نزول سوره بقره و انفال توأم با یکدیگر بوده، الا این‌که در ابتدا نیمه اول آیات سوره بقره نازل شده است. و سوره‌ای که پس از سوره بقره نازل شده است، سوره مبارکه آل عمران است که هشتادونهمین سوره نازل شده است. این سوره چگونگی تعامل با سایر ملل، اعم از مشرکان، یهودیان و مسیحیان را بیان می‌کند.
۸. قطب، سید، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۳۶.
۹. حوی، سعید، الاساس، ج ۱، ص ۶۴ تا ۶۶؛ بازگان، عبدالعلی، نظم قرآن، ج ۱، ص ۳۲؛ مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، ج ۱، ص ۹۳.
۱۰. دروزه، پيشين، ج ۶، ص ۱۴۴.
۱۱. حوی، پيشين، ج ۱، ص ۱۱۳؛ قطب، پيشين، ج ۱، ص ۵۴؛ حبنکه، پيشين، ج ۱۵، ص ۴۰۸؛ دروزه، پيشين، ج ۶، ص ۱۵۲؛ مدرسی، پيشين، ج ۱، ص ۱۲۶.
۱۲. بازگان، پيشين، ج ۱، ص ۳۸.
۱۳. مسلم، مصطفى، التفسير الموضوعی، ج ۱، ص ۸۰؛ دروزه، پيشين، ج ۱، ص ۱۶۰.
۱۴. مدرسی، پيشين، ج ۱، ص ۱۴۶.
۱۵. طباطبایی، پيشين، ج ۱، ص ۱۹۶؛ دروزه، پيشين، ج ۶، ص ۱۷۷. در تفسير الحديث آیات ۶۳ تا ۶۶ یک دسته و آیات ۶۷ تا ۷۴ نیز یک دسته شده‌اند.
۱۶. طباطبایی، پيشين، ج ۱، ص ۲۱۲؛ دروزه، پيشين، ج ۶، ص ۱۸۰.
۱۷. دروزه، پيشين، ج ۶، ص ۱۸۸.
۱۸. حبنکه، پيشين، ج ۱۵، ص ۴۱۱؛ دروزه، پيشين، ج ۶، ص ۲۱۴؛ مدرسی، پيشين، ج ۱، ص ۲۲۱.

۱۹. جنبکه، پیشین، ج ۱۵، ص ۴۱۲
۲۰. سید قطب، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۹، مسلم، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۷؛ حوی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۹.
۲۱. جوادی آملی، پیشین، ج ۶، ص ۴۲۳ تا ۴۲۶.
۲۲. دروزه، پیشین، ج ۶، ص ۲۳۶.
۲۳. طباطبایی، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۹.
۲۴. طباطبایی، پیشین، ج ۱، ص ۳۰۹.
۲۵. یوسفی غروی، محمد هادی، مترجم: عربی، حسین علی، تاریخ تحقیقی اسلام، ج ۲، ص ۳۰۴؛ شرف الدین، ترابط الایات و اغراضها فی سوره البقره، ج ۲، ص ۸۰.
۲۶. سید قطب، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۴.
۲۷. مسلم، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۳ تا ۱۹۴؛ طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۶.
۲۸. شرف الدین، پیشین، ج ۲، ص ۸۲ تا ۸۳؛ در تفسیر فی ظلال آیات ۱۷۸ تا ۱۸۸ در یک دسته بررسی شده‌اند.
۲۹. این دسته آیات در تفسیر فی ظلال از آیه ۱۸۹ آغاز شده است. قطب، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۷.
۳۰. قطب، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۲.
۳۱. قطب، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۹.
۳۲. سید قطب، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۹؛ مسلم، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۱ تا ۲۸۳.
۳۳. در تفسیر فی ظلال آیات ۲۴۳ تا ۲۵۲ بررسی شده‌اند. سید قطب، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۰. ●

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و پیشین

سال اول، شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

۲۵۲